اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

**عرض کردیم در بحث بیع فضولی عده‌ای از مذاهب اربعه حتی امثال شافعی از قدیم از قرن دوم ما خبر داریم از زمان صحابه الان چیزی یادم نمی‌آید اما از زمان فقهاء در میان اهل سنت داریم عده‌ای بیع فضولی را باطل می‌دانستند و عمده‌ی دلیل آنها هم همین حدیث پیغمبر است لا تبع ما لیس عندک این لا تبع ، و لذا این حدیث خیلی احتیاج به بحث خاصی دارد و این چون لا تبع ما لیس عندک غیر از اینکه با این متن آمده یک متن دیگری هم دارند نهی عن بیع ما لیس عنده همین تعبیر است آمده است و این آن نهی که آمده چهارتا درش دارد که انصافا در باب معاملات خیلی تاثیر گذار است در زمان ما هم تاثیر گذار است .**

**مثلا یکی‌اش ربح ما لم یضمن است در آن چهارتا یکی‌اش ربح ما لم یضمن است ، عرض کردم اصطلاح ضمان وقتی است که قبض بشود اصطلاحا این است در روایات ضمان به این معناست ، چون اگر شما کتاب را فروختید کتاب ملک طرف مقابل می‌شود اما در ضمان او نیست یعنی چه یعنی اگر کسی دزد آمد کتاب را از اینجا دزدید رفت از جیب من می‌رود آن پولش را می‌گیرد از جیب من حساب می‌شود اگر او کتاب را گرفت دزد دزدید از پول او حساب می‌شود دقت کردید ؟ ضمان یعنی قبض اصلا کلمه‌ی ضمان ، ربح ما لم یضمن .**

**عن بیع ما لم یضمن هم داریم به آن متن ربح ما لم یضمن هم داریم لم یضمن یعنی قبض نشده باشد خوب می‌دانید الان یک عده‌ی زیادی از معاملات امروز خیلی متعارف است فرض کنید یک کسی ده هزار یک دستگاه فرض کنید از یک کشور دور می‌خرد با کشتی به مبلغ معینی هنوز آن کشتی در دریاست به یک کسی دیگری با سود می‌فروشد خوب هنوز قبض نکرده است این ربح ما لم یضمن است یعنی یک از مسائلی است که در جامعه‌ی ما جریان دارد این چهارتا مساله چهارتا آمده من لذا عرضم این است که این مقدمه را عرض کردم که اگر حالا که ما حالی نداریم که اما اگر آقایان بخواهند سه چهار نفری پنج شش نفری کار بکنند روی متون مختلف این حدیث واقعا جا دارد چون خیلی آثار اقتصادی دارد خوب مثلا می‌گوید این باطل است شما ربح ما لم یضمن شما هنوز این کار را نکردید چرا مثلا آن را سود درش بردید به دست تو نرسیده است .**

**علی ای حال یک مجموعه‌ی حدیث هست این یک تکه‌اش به درد فضولی خورده مشهور شده و الا این یک مجموعه‌ی حدیثی است که نهی النبی عن چهار تا بیع یکی عن بیعتین فی بیع یا عن شرط و سلف یا عن بیعتین فی بیع یا عن شرطین فی بیع خیلی تعابیر مختلف دارد این اگر جمع آوری بشود هم متون اهل سنت هم متون شیعه هم متون زیدیه هم متون اسماعیلیه ، اسماعیلی‌ها هم دارند در دعائم الاسلام آمده است ، من نشد مراجعه کنم اخیرا خوارج یک کتابشان دارم اما نشد نگاه بکنم ، آیا خوارج هم این ، احتمال می‌دهم داشته باشند خوارج خیلی مشهور شده خوارج هم احتمال می‌دهم در کتاب‌های ‌فقه‌شان آورده باشند .**

**خیلی متنی است که مورد اعتناء است یعنی شدیدا مورد اعتناء بوده این قسمتش در بحث فضولی بحث شده عن بیع ما لیس عندک ، لا تبع ما لیس عندک یا نهی عن بیع ما لیس عنده این را هم داریم و یک توضیحات اجمالی من سابقا عرض کردم آن که لا تبع ما لیس عندک را بیشتر از حکیم بن حزام نقل کردند ، عرض کردیم شواهدش هم حاکی از این باشد که این مطلب در سال هشتم هجری در مکه واقع شده است در فتح مکه چون عمرو بن شعیب عبدالله معذرت می‌خواهم پسر عمرو عاص می‌گوید من در فتح مکه از رسول الله اجازه گرفتم آن وقت حدود 16 – 15 سالش بود که بنویسم اجازه دادند فاول ما کتب این بود نهی رسول الله عن اربع اشیاء بیع ما لم یضمن ، عن ربح ما لم یضمن ، عن شرطین فی بیع حالا عین الفاظش را در ذهنم نیست .**

**این مساله خیلی می‌گویم آن وقت این خیلی محل اعتناء شد هم به لحاظ خود مساله به لحاظ سند مساله روایت ، که آیا سند روایت قبول هست یا نه این خودش جنجال انگیز شد این سندی که به کتاب عبدالله پسر عمرو عاص برمی‌گردد . عرض کردم اخیرا من تا حالا دو نسخه در اینترنت دیدم گفتم به یکی از دوستان اگر خارج پیدا کرده بخرد هنوز برای من نیاوردند صحیفه‌ی صادقه به اسم صحیفه‌ی صادقه این صحیفه‌ی صادقه اگر ثابت بشود مهمترین کتابی است که اهل سنت نوشتار صحابه دارند ، از این ما بیشتر نداریم چند تا نوشتار صحابه مطرح شده عرض کردم این خودش یک بحث قشنگی است ، این نوشتارهای صحابه را بیشتر از قرن دوم اوائل قرن دوم مثل مثلا در شیعه مسند زید ، زید عن ابیه الامام السجاد عن ابیه الامام الحسین عن علی قال رسول الله این تقریبا بر بقیه مقدم است مسند زید تقریبا بر بقیه مقدم است .**

**یکی هم کتاب عبدالله پسر عمرو عاص که صحیفه‌ی صادقه بود آن حدود 1000 حدیث اما دیدم این که چاپ شده الان بیشتر است به نظرم عددش بیشتر است معروف است که الف حدیث دارد لکن الان این هم خودش باز یک بحثی است از نظر تاریخی چون این نوشتارها فی ما بعد یکی از مصادر سنن شد سنن پیغمبر را از این نوشته‌ها جمع کردند . اصولا از صحابه ما نوشتار نداریم یکی از نوشتارها همین روایت عبادة بن صامت که لا ضرر در آن هست در روایت عبادة هست که عرض کردیم شیخ الشریعة آورده است . آن حدود 22 تا از قضایای رسول الله است چون این روایاتی که به عنوان**

**اصلا بعضی‌ها بابی دارند به نظرم در کنز العمال بابی دارد به نام باب اقضیة النبی به نظرم در کنز العمال اصلا دارد در کنز العمال و اصلا قضایا رسول الله را دارند حالا بعضی‌هایش کم است بعضی‌هایش زیاد است کم و زیاد دارد این اقضیة النبی عرض کردم در قرن اول که به فکر جمع آوری سنن افتادند به اصطلاح عمر بن عبدالعزیز ، چون عمر مخالف بود با جمع آوری سنن توضیحاتش را عرض کردیم ایشان مخالف بود با جمع آوری سنن ، لذا بعد از عمر هم تابعین تا مقداری با ایشان بودند اما تدریجا این طوق را شکستند اولشان هم عمر بن عبدالعزیز در سال 100 یعنی در سال 100 هجری دستور داد که بروند مدینه سنن پیغمبر را جمع آوری بکنند این قسمت خیلی مهم است در تاریخ اسلام کلا و ما اگر بخواهیم الان در دنیای خودمان با اهل سنت صحبت بکنیم باید کاملا مطالب آنها را بدانیم هیچ راهی ندارد غیر از این ، این مرحله خیلی مهم است نوشتارهای این مرحله در تاریخ اسلام در سنن پیغمبر خیلی مهم است ، یعنی از زمان عمر که نهی کرد بعد مدتی هم که نهی به حال خودش محفوظ بود لکن بعد عمر بن عبدالعزیز جمع کرد .**

**عمر یک ذهنیت سوئی راجع به ، به اصطلاح این طور می‌گویند ، به اصطلاح احکام شفاهی رسول الله غیر از احکام وحیانی غیر از قرآن در میان یهود هم همین بود ، تورات آن سفری که برای احکام است این به عنوان سنن الهی یک مقدار هم سنن شفاهی حضرت موسی است این را بعدها علما و احبار یهود جمع کردند که عرض کردم آخرین کسی که جمع کرد یکی از این ربیون است که اسمش را نوشتند کاهان یا ماهان یک چنین اسمی است سال 217 میلادی این کتاب کامل شد به نام مشنا ، ایرانی‌ها غالبا میشنا می‌خوانند میشنا یعنی المثنی، المثانی تورات ، میشنا در لفظ عبری به معنای المثی ، المثنی که ما می‌گوییم این با عنوان مکمل تورات اسمش را گذاشتند سنن شفاهی حضرت موسی یک سنن شفاهی در مقابل آن وحیانی .**

**از همان یکی دو تا شاهد تاریخی داریم که عمر این را قبول می‌کند با این که با یهود خیلی رفیق بود عبری هم بلد بود ، نسبت به این کتاب نظر سلب داشت اعتقاد داشت که اگر ما سنن پیغمبر را جمع بکنیم مثل این میشنا می‌شود ، دارد تصریح دارد مشنا کمشناء اهل الکتاب ، مرادش از اهل کتاب در اینجا هم خصوص یهود است مسیحیت نیست ، مشناء کمشناء اهل الکتاب .**

**علی ای حال نظیر این را هم ما در یهود داشتیم اما خوب این حرف مزخرفی بود به هر حال سنت دومین رکن تشریع در دنیای اسلام است همچنان که قرآن خودش مصدر تشریع است خود سنت رسول الله هم مصدر تشریع است . البته اهل سنت قاعدتا این طور است قاعدتا حالا می‌گویند نه سنن پیغمبر از خود قرآن استفاده کرده است ما نمی‌فهمیم پیغمبر می‌فهمید ، در روایات ما دارد نه این اصلا خداوند این امر را به رسول الله تفویض کرد یعنی یکی از نکاتی که رسول الله داشت غیر از این که وحی می‌کرد حالت مشرع و قانون گذار داشت .**

**بعد ها آمدند بین این دو تا قانون فرق گذاشتند آن که خدا معین کرده به اسم فریضه آنی را که رسول الله معین کرده به اسم سنت حتی در الفاظش هم آمدند فرق گذاشتند مثلا می‌گفتند اگر در کتاب آمده می‌گفتند حرام اما اگر در کتاب نبود می‌گفتند یکره این یکره که آقایان علمای ما متحیرند که چرا یکره داریم زیاد داریم اگر نگاه بکنید یکره در روایات به معنای حرام به کار برده شده است این سرش این است سرش را برای شما عرض کنیم .**

**چون یکره در آن در قرن دوم بنا شد به حرام‌هایی که به سنت ثابت است یک چیزهایی به کتاب ثابت است یک چیزهایی به سنت ثابت است البته به طور طبیعی قاعدتا سنت توسعه‌ی کتاب است قاعدتا . عرض کردم مثلا رضاع در قرآن دو تا داریم دیگر خواهر رضاعی و مادر رضاعی اما در سنت گفت یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب تعمیم داد عموی رضای برادر رضاعی بی بی رضاعی عمه‌ی رضای توسعه داد سنت آمد توسعه داد دقت کردید ، کار سنت این بود .**

**اهل سنت غالبا این مرحله‌ی توسعه را با قیاس درست کردند اصلا سر ورود قیاس در شریعت این شد که اینها آمدند سنت یعنی چیزهایی را که در قرآن نیست و می‌خواهند توسعه بدهند با نظر فقیه این کار را کردند . لذا اگر دقت کنید در روایات ما آمده السنة اذا قیست ببینید السنة اذا قیست محق الدین یعنی سنت هم مثل فریضه است باید از رسول الله گرفته بشود با عقول بشری نمی‌شود تعبیر السنة ، نمی‌گوید الحکم الالهی می‌گوید السنة اذا قیست سنت را هم با قیاس نمی‌توانیم بگیریم ، سنت هم باید برگردد .**

**علی ای کاری که عمر کرد بدون شک کار خوبی نبود و اولین کسی که باز در مقابل ایشان رسما ایستاد عمر بن عبدالعزیز است ، البته نوشتارهایی در این زمان به وجود آمد در این فاصله‌ی 100 سال یعنی از زمانی که عمر به اصطلاح کذا شد حدود سال‌های 23 تا سال 100 هجری این به حساب در این فاصله‌ی این 80 – 70 سال کتاب‌هایی نوشته شد و عده‌ای هم نوشتند نه اینکه حالا همه‌ی تابعین حرف عمر را قبول کردند .**

**یکی هم یک زنی از انصار از طایفه‌ی انصار عمرة بنت عبدالرحمن این از عایشه خیلی احکام را نوشته است که بعدها معروف شد به سنن عمرة یعنی عمرة جزو صحابیات نیست جزو تابعیات است ، این هم یکی از مصادر عمر بن عبدالعزیز است اصلا او می‌نویسند که من جمله سنن عمرة را ، که یک دفعه‌ی دیگر هم گفتند که عده‌ای از علمای ما خواندند سنن عُمَرة این عَمرة بوده عُمر نیست عمر سنت ندارد عمرة بنت عبدالرحمن و صحابی هم نیست ایشان تابعی است از عایشه نوشته است این وهب بن منبه است یا برادرش ایشان مقدار حدود 440 تا حدیث نوشته از ابو هریرة این هم فی ما بعد مصدر قرار گرفت .**

**تصادفا اخیرا عرض کردم چون بی حال هم هستیم حالا گاهی مطالب متفرقه نسخه‌ای در کتابخانه‌ی ملی پاریس از این کتاب هست از این کتاب خیلی نسخه‌ی نفیسی است انصافا من در این اینترنت هم دیدم من نسخه‌ را در اینترنت دیدم انصافا فوق العاده نسخه نفیس است فوق العاده نفیس است اولا تاریخ کتابتش 229 است یعنی بعبارة اخری زمان امام هادی نوشته شده ما خیلی کم داریم غالب نوشته‌های آن زمان ما روی پوست گوسفند است آهو هم نیست روی پوست گوسفند این روی پاپیروس است ما پاپیروس کم داریم عربی نوشته شده باشد ، پاپیروس یک نوع نی است در مصر می‌شکافتند باز می‌کردند سه سانت بود پهلوی هم می‌گذاشتند ورق می‌شد که شاید کلمه‌ی قرطاس هم از آن گرفته شده است .**

**علی ای حال پاپیروس این یک کتابی است که روی پاپیروس نوشته شده و خیلی هم می‌گویم کمیاب است اصولا در میان نسخه‌های خطی دنیای اسلام پاپیروس به عربی کم داریم یکی‌اش هم همین کتاب است و خطش هم خیلی واضح است خیلی عجیب است خیلی واضح است کاملا قابل خواندن است خیلی خط را من نگاهش کردم و خیلی هم قشنگ نوشتند انصافا کم غلط خیلی خوب یعنی تا آنجا که من دیدم البته من زیادش را نگاه نکردم بی غلط خیلی واقعا تعجب آور است این کتاب سالم است اینها را تدریجا عمر بن عبدالعزیز دستور داد جمع کردند لکن قبل از اینکه این کار تمام بشود می‌دانید بعضی از زن‌های بنی امیه با متکا روی صورتش نشستند و خفه‌اش کردند بیچاره را نگذاشتند زنده بماند عمر بن عبدالعزیز این همه آثار شما از او می‌بینید کلا دو سال خلیفه بوده 99 تا 101 کل این عناوینی که دارد و تنها شخصی است از بنی امیه که یک شاعر بزرگ شیعی یک عالم بزرگ شیعی مدحش کرده و آن هم سید رضی البته می‌گوید ، خیلی هم آخر آقای سید رضی خیلی حالت آزادی خواهی داشته خیلی روح خاص داشت .**

**یابن عبدالعزیز لو بکیت فتا من امیة لبکیت ، اگر بنا بود برای بنی امیه کسی گریه کنم برای تو گریه می‌کردم خیلی تعبیر عجیبی است انت انقذتنا من السب والشتم فلو امکن الجزاء جزیتک الی آخره ، علی ای حال خیلی عجیب است که مرحوم سید رضی 300 سال بعد از ایشان سید رضی متوفای 406 است او متوفای 101 است ، 300 سال بعد از ایشان قصیده‌ای در رثای عمر بن عبدالعزیز دارد . این کلا دو سال است کل این مدتی که ایشان سر کار بوده است .**

**اینها و بررسی اینها خیلی تاثیر گذار است ، آن وقت تدریجا در قرن دوم اینها بروز پیدا کرد یکی از اینها که از همه‌ی اینها مهم تر بود یکی‌اش کتاب زید بود حالا غیر از آن کتاب قضایا و سنن که به امیرالمؤمنین نسبت داده است ، کتاب‌های زیادی بود لکن از همه‌ی اینها مهم تر در بین اهل سنت همین برای عبدالله پسر عمرو عاص است این نوه‌ی نوه‌ی عمرو عاص است اسمش هم عمرو است عمرو بن شعیب ، عمرو . این کتاب را عرض کردم سال هشت هجری شروع کرده به نوشتن و از سال 126 هم خودش فوت کرده از اوائل قرن دوم این کتاب منتشر شده است .**

**بعدها که رسید به حکایت عرض کردم رسید به حکایت در حکایت که رسید عده‌ای از بزرگان اهل سنت قبولش نکردند مثلا بخاری قبول نکرد مسلم قبول نکرد اینها قبول نکردند اما مثلا نسائی قبول کرد ترمذی قبول کرد احمد بن حنبل قبول کرد خیلی از بزرگان به تعبیر حاکم صحیح به شرط جماعة من ائمة المسلمین ، عده‌ی زیادی این کتاب را قبول کردند و این تاثیر گذار است ، یک مختصری هم در حدیث ما تاثیر گذار است ، این کتاب غیر از اینکه در جمع سنن پیغمبر تاثیر گذار است یک مختصری هم در حدیث ما من جمله همین چهار تا همین چهارتایی که آمد این چهارتایی که اول آوردم این هم در حدیث ما آمده لکن مختلف است .**

**آن وقت اینها را اگر انسان همه را جمع بکند الان فکر می‌کنم یک کتاب 500 – 400 صفحه‌ای بشود همه‌ی اینها را تحقیقات علمی‌اش جمع بکند با تاریخش با جغرافیایش جمع بکند تاثیر دارد در بیع در معاملات خیلی تاثیر گذار است مثلا این معاملاتی که الان می‌کنند ، هنوز جنس نرسیده می‌فروشد با سود می‌فروشد اگر این حدیث به آن عمل بشود گفتند نمی‌شود نهی عن ربح ما لم یضمن در عده‌ایشان این ربح ما لم یضمن نیامده است .**

**یک مشکل این حدیث این است این حدیث تکه تکه هم آمده از غیر طریق عبدالله هم آمده اما در کتابش فقط از همین طریق است در کتابش ، یعنی به عبارت دیگر من خیلی بحث‌ها را دارم اجمال می‌دهم چیزهایی می‌گویم که جای دیگری گفته ، روشن نشد کس دیگری غیر از این راه کتاب عبدالله را نقل کرده باشد .**

**دقت کنید من چون بحث فهرستی را مطرح کردم شما ممکن است بگویید خوب این کتاب روی بحث‌های فهرستی خوب عده‌ی زیادی قبول کردند دیگر لکن مشکل ببینید ما وقتی بحث فهرستی مطرح می‌کنیم مرادمان فقط کتاب نیست مراد این است که اولا ثابت بشود آن شخص صاحب کتاب است و آن نسخه‌ی کتاب چند نفر نقل کردند ، کتاب را اجازه دادند نه حدیث را ما یک حدیث داریم که عطاء خراسانی از عبدالله نقل می‌کند یک تکه از آن لکن این شاید حدیث بوده کتاب نیست یعنی بعبارة اخری ما شاهدی نداریم غیر از این راه کسی دیگری از عبدالله این کتاب را شنیده خوب دقت کنید ، دقت می‌کنید چه می‌خواهم بگویم ، عبدالله کتاب را نوشته در طریق این نکته‌ی خیلی فنی است می‌گویند خوش ما طریق فهرستی دارید از بعد از عمرو بن شعیب که متوفای 126 است قطعا کتاب مشهور می‌شود الان یک مقدار زیادی از مسند احمد را اگر آقایان انس داشته باشند بخش عبدالله پسر عمرو عاص یک مقدار زیادی‌اش همین سند است**

**این سند هم یکی است عمرو بن شعیب عن ابیه عن جده قال رسول الله این همین است این سندش یکی است این فرقش این را هم روشن شد ؟ این را ما فهرست شیعه نمی‌دانیم این راه را نمی‌دانم حالا**

**یکی از حضار : در اهل سنت مشهور شد یا در شیعه هم مشهور شد ؟**

**آیت الله مددی : نه شیعه مشهور نشد ، اما عده‌ای آمدند از کلماتشان آمده است و متاسفانه یک راوی معینی هم هست ، باز از آن راوی هم راوی دیگری معین است حالا شرح ، می‌گویم اینها را اگر بشود یک جلد کتاب می‌شود دیگر نمی‌خواستم خواستم آشنا بشوید که این حدیث خیلی تاثیر گذار است .**

**فعلا آقایان ما در بحث لا تبع ما لیس عندک در فضولی آورده‌اند لکن این حدیث غیر از بیع ما لیس عندک چیزهای دیگری هم دارد و واقعا نکات تاریخی هم دارد نکات فنی دارد ، از همان اوائل حتی در معنای حدیث هم عده‌ای ، در خود دعائم الاسلام نهی عن بیعتین فی بیع سه چهار معنا دعائم الاسلام می‌گوید حالا مثلا این کتاب در تهذیب شیخ آمده شیخ نمی‌گوید چیزی اما دعائم الاسلام دارد در تفسیر حدیث دارد اهل سنت هم دارند عده‌ای از اهل سنت اما اهل سنت اوائل ، اواخر که زیاد دارند همان اوائلی که نقل کردند که مراده فلان این است آنهایی که اوائل هم نقل کردند مرادش این است .**

**علی ای حدیثی است بسیار حدیث مهم وعن بیع وشرط و لذا عرض کردم الان اهل سنت حدیث المؤمنون عند شروطهم را قبول ندارند آخر این نزد ما حدیث صحیح است مسلم است جای شک نیست نه بخاری قبول دارد نه مسلم قبول دارد اصلا این ابن حزم تعبیر می‌کند الحدیث المکذوب المسلمون عند شروطهم تعبیر به حدیث مکذوب می‌کند خوب این چقدر در فقه تاثیر گذار است حدیث آن وقت آن دارد شرط و بیع ، نهی عن شرط و بیع آن هم دارد در همه‌ی متونش هم نیست لذا من عرض می‌کنم چون من می‌دانم که این چقدر این حدیث تاثیر گذار است یک مقدارش در مصادر ما آمده حالا من آن مقداری که در مصادر ما آمده متعرض می‌شوم و یک مقدارش هم تکه تکه آمده حتی در مصادر اهل سنت هم آنها تکه تکه آمده است ، یعنی حدیث واحدش آمده است .**

**عرض کنم که من فعلا از جامع الاحادیث می‌خوانم جامع الاحادیثی که الان دست من است جلد 22 در این چاپی که هست چون شنیدم بعد از این چاپ این چاپ 31 جلدی است یک چاپ دیگر هم شده نمی‌دانم آن آیا جلد چند می‌شود آن را چون ندارم از آن چاپ خبری ندارم .**

**مثلا این حدیث عمرو بن شعیب که در این نسخه‌ی عوالی اللآلی نقل کرده خوب معلوم است از کتب اهل سنت ، تصادفا نوشتنه روی عمر بن شبیب این عمر بن شبیب عمرو بن شعیب بوده است ، البته ایشان در حاشیه نوشته در مستدرک نوشته عمرو بن شعیب ، بعید نیست در خود عوالی چون عوالی خیلی ضعیف است .**

**عن ابیه عن جده عن النبی اینجا یک مقدارش را نقل کرده این از همان کتاب است البته این چهار متنی که گفتم در اینجا نیامده این در صفحه‌ی 506 می‌گویم تکه تکه از همان کتاب آمده این ارزش ندارد چون در قرن دهم است تقریبا اواخر نهم و اوائل قرن دهم این ارزش علمی ندارد اما می‌خواهم بگویم حتی در اینجاها هم تا اینجا رسانده این مطلب را .**

**البته اگر بنا باشد فرض کنید مثلا یک مقدارش از طریق اهل بیت بیاید حالا ممکن است یک کسی بگوید اگر ما بخواهیم الان جمع بکنیم احادیث شیعه را چون یک مقدارش آمده بقیه‌اش را هم ما بیاوریم حالا آن بحث دیگری است که آیا بقیه‌ی کتاب بیاید یا نیاید .**

**عرض کنم که اینجا در کتاب فقیه و در امالی صدوق حدیث مناهی النبی ، حدیث مناهی النبی عرض کردم یک حدیثی است که شیخ صدوق منفردا آورده در جلد 4 فقیه ، حدیث طولانی چندین صفحه 20 صفحه است نهی النبی ، نهی النبی ، حدیث هیات ترکیبی‌اش جعلی است یعنی به این صورت جعل است یعنی برداشتند یک عده‌ از احادیث پیغمبر را یک آقایی با سند چسباندند به هیات ترکیبی‌اش این حدیث جعل است اما مفرداتش یکی یکی در می‌آید یعنی اگر بررسی بکنند مفردات آن حدیث یکی یکی به اصطلاح پیدا می‌شود .**

**حالا نوشته امالی صدوق بله بالاسناد المتقدم ، این حدیث مناهی النبی به نظرم برمی‌گردد به شعیب بن واقد نگاه کنید صدوق را امالی، مناهی النبی ، ببینید ونهی عن بیع وسلف این همان عبارت عمرو بن شعیب است همان عبارت عبدالله ، ونهی عن بیعین فی بیع ونهی عن بیع ما لیس عندک دقت کردید ؟ این حتی در کتاب فقیه هم آمده البته در آخر فقیه .**

**ونهی عن بیع ما لم یضمن به شما عرض کردم در عده‌ای از نسخ ربح ما لم یضمن ، بیع ما لم یضمن یعنی شما می‌آیید به یک آقایی به اصطلاح می‌روید جنسی را می‌خرید هنوز نگرفتید آن را جنس را می‌فروشید به یک نفر دیگر این بیع ما لم یضمن در باب این ما لم یضمن در طعام دارند اهل سنت یعنی طعام را اگر خرید نمی‌شود بفروشید مگر اینکه دو مرتبه کیل بکند قبض بکند در خصوص طعام دارند در نزد ما شرط نیست اما اهل سنت دارند .**

**ببینید دقت کنید همین چهار تا حدیث را در اینجا به این متن آورده آن وقت در کتاب دعائم الاسلام**

**یکی از حضار : مرحوم صدوق یعنی از کتاب همان صحیفه‌ی صادقه گرفتند ؟**

**آیت الله مددی : نه این یک نفری ، آقا بخوانید حدیث مناهی النبی به نظرم شعیب بن واقد باشد نه ؟**

**یکی از حضار : قال ابو جعفر محمد بن حسین بن موسی بن بابوبیه هذا الکتاب روی عن شعیب بن واقد عن الحسین بن زید عن الصادق جعفر بن محمد**

**آیت الله مددی : بله این عبارت واحده‌ای است که ایشان متاسفانه آورده به صیغه‌ی روی هم آورده است و این هم یکی از ادله‌ی کسانی است که روی شامل روا می‌شود ، چون در کتاب صدوق غیر از این روایت نیست از شعیب بن واقد این که اصلا مجهول است بالکل نمی‌شناسیم . حسین بن زید هم چنین روایتی ندارد حسین کوچکترین پسر زید است زید که شهید شد نمی‌دانم یک سال دو ساله بوده حسین پسر ایشان بعدها هم که بزرگ شد مرد خیلی زاهد و اهل گریه بوده ذی الدمعة ، دمعة یعنی اشک ، اشک ریزان بوده .**

**الان بیشتر سادات حسینی که هستند در کل دنیا از اولاد این هستند از اولاد حسین هستند نسبشان به حضرت سجاد برمی‌گردد سادات سجادی امام حسین به حسین بن زید ، حسین پسر زید پسر حضرت سجاد پسر امام حسین ، خیلی در نسب نامه‌ها آقایانی که در انساب کار می‌کنند در شجره نامه‌ها زیاد سادات حسینی به این برمی‌گردند به حسین بن زید در مشیخه دارد طریقش را ، در مشیخه طریقش را بخوانید یک طریق بسیار تعجب البته اینجا ایشان به صیغه‌ی روی آورده اما اگر نمی‌آورد هم**

**یکی از حضار : در امالی هم شاید یک سند**

**آیت الله مددی : بخوانید حالا سند صدوق خود مشیخه را بخوانید**

**یکی از حضار : کما کان فیه عن شعیب بن واقد فی المناهی فقد رویته عن حمزة بن محمد بن احمد بن جعفر بن محمد بن زید بن علی بن حسین بن**

**آیت الله مددی : از همین سادات زیدی هستند به اصطللاح بله بفرمایید**

**یکی از حضار : قال حدثنی ابو عبدالله عبدالعزیز بن محمد بن عیسی الابهری**

**آیت الله مددی : این در میان اهل سنت هست بفرمایید**

**یکی از حضار : قال حدثنا ابو عبدالله محمد بن زکریا الجوهری الغلابی البصری**

**آیت الله مددی : غَلابی**

**یکی از حضار : غلابی البصری قال حدثنا شعیب بن واقد**

**آیت الله مددی : سند ضعیف است به هر حال یک ، آن وقت یک حدیثی است پنج شش ، هفت هشت صفحه ده صفحه است تکه تکه است نهی النبی ، نهی النبی یک چنین حدیثی را من الان در کتب اهل سنت ندیدم عرض کردم این آمده بود احادیث نهی النبی را جمع کرده یک کسی جمع کرده است .**

**این حدیث هم عرض کردیم آقایان بحث کردند که روی چرا مثلا صدوق من به نظرم این طور نظر شخصی خودم جایی هم ندیدم از مشایخ ، احادیثی را که ولو ممکن است مصدرش هم معتبر باشد لکن در فرهنگ حدیثی قم جا نیافتاده ، عرض کردم ما در شیعه یک فرهنگ حدیثی داریم این قم است و مظهرش هم صدوق است یک حجیت حدیث داریم این مظهر کاملش مرحوم شیخ طوسی است .**

**اختلافی که پیدا شد شیخ طوسی بغدادی‌ها با قمی‌ها از اینجا شد شیخ رفت روی حجیت لذا مقدار زیادی احادیث را آورد این حجیتی را که مرحوم شیخ طوسی ابتدا به آن کرد مبهم بود این حجیت توسط علامه تکمیل شد قرن هشتم از زمان علامه تا حالا روی منبع حجیت است خود ما سعی کردیم برگردیم بیشتر به فرهنگ حدیثی شیعه که برای قبل از شیخ طوسی است آن وقت روی که می‌گوید معلوم می‌شود مشایخ قم قبول نکردند دقت می‌کنید ؟ ایشان ممکن است یک چیزهایی را خودش قبول بکند اما مشایخ قم قبول نکردند قدر متیقن‌اش این است در روی ، جهات دیگری هم دارد که حالا وقت شرحش نیست . صدوق در آنجا را بخوانید برای امالی را اگر آورده است .**

**یکی از حضار : همین ؟**

**آیت الله مددی : همین به عینه نه این سند ضعیف است .**

**علی ای حال روشن شد می‌خواهم این حدیث را یک کسی که برداشته نوشته همان نسخه‌ی عبدالله پسر عمرو عاص است لکن این یک چهارتای دیگری است ، در دعائم دارد عن رسول الله نهی عن بیع و سلف یعنی از چهارتا یکی را آورده ببخشید هم دیگر حال ما تمام شد هم وقت ما تمام شد ، ان شاء الله بقیه‌اش را فردا احتمالا فردا را گفتند تعطیل است درس‌ها این طور گفتند ، خدای نکرده این جریان لبنان درست باشد خوب خسارت بزرگی است نمی‌دانیم حالا واقعا**

**وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین**